

مغایر با مفاد ماده ۱۸۸ این دادرسی کیفری عمل ننماید و در خصوص ادعای مجوز اخذ شده از جناب عالی (به نقل از سایت شخصی آقای ابطحی که متعاقباً مورد استناد و توجه بسیاری از رسانه‌های ضدانقلاب قرار گرفته است) پاسخ لازم جهت اتخاذ تصمیم پیرامون شکایت نیروی انتظامی ارایه گردد.

در پایان با توجه به این که آقای محمدعلی ابطحی در روزنامه‌های صبح امروز اعلام نمودند که نظریه و گزارش هیأت محترم نظارت و پیگیری قانون اساسی در این رابطه خطاب به ریاست محترم جمهوری ارسال گردیده است تعجیل در این امر و عدم رؤیت و اخذ نظریه پزشکی قانونی و عدم توجه به تحقیقات علمی جهت احراز صحت و سقم ادعای افراد و اتکاء صرف به اظهارات متهم در صورت صحت اظهارات آقای ابطحی در شأن و جایگاه آن هیأت محترم نیست.

بازپرس شعبه اول دادرسی کارکنان دولت

حسینی

شماره ۶/۱۳/۱۱۳/۲۴۶

تاریخ ۱۳۸۳/۱۰/۱۶

به: دادستان محترم عمومی و انقلاب تهران

از: معاونت اطلاعات ناجا

سلام علیکم

احتراماً، به استحضار می‌رساند متهمین سایت‌های غیرقانونی اینترنتی از جمله سایت امروز که در انتشار مطالب خلاف واقع و توهین و اهانت به مسؤلیت طراز اول نظام از رادیوها و رسانه‌های ضدانقلاب نیز سبقت گرفته بودند پس از تلاش قراوان مأموران دلسوز و صدیق، شناسایی و با حکم مرجع قضایی دستگیر و بازداشت شدند از آنجایی که اکثر این متهمین پرسنل فعال و گرداننده سایت غیرقانونی امروز بوده‌اند - که کمیته تعیین مصدیق نیز بر غیرمجاز بودن فعالیت این سایت اعلام نظر نموده - اما علیرغم اطلاع از غیرقانونی بودن سایت مذکور همکاری و فعالیت مجرمانه خود را ادامه می‌دادند، نامبردگان در مراحل مختلف تحقیقات با تفهیم اتهامات و رؤیت اسناد و مدارک از تخلفات گذشته خود اظهار ندامت نموده و با شرح و تفصیل نحوه جذب و اغفال خود و همچنین اشتباهات انجام شده توسط خود را ناشی از فریب خوردن از سوی افرادی دانستند که مشخصات آن در پرونده منعکس است متهمین مذکور در اعترافات و نوشته‌های خود در طول تحقیق از تهیه و تنظیم مطالب کذب و خلاف واقع علیه نظام و نهادهای حافظ امنیت با شرح و تفصیل و دلیل یاد نموده‌اند که آنها را پس از تهیه برای سایت امروز ارسال کرده‌اند متهمین مذکور ضمن اظهار ندامت و پشیمانی از دستگاه قضایی تقاضا کردند با پذیرش توبه و ندامت و تعهد جبران خطاهای گذشته مشمول رأفت اسلامی شوند لذا متهمین پس از معرفی به دادر، نزد دایار محترم نیز همین مطالب را تکرار و جملگی جرایم ارتكابی و اقدامات مجرمانه خود علیه کلیت نظام و مسؤولین کشور را تأیید و بیان مجدد نمودند، این متهمین با سپردن وثیقه و تأمین قانونی پس از آزادی رفتارهای متفاوتی در رسانه‌های جمعی داشتند، ابتدا حنیف

مزروعی با تحریک پدرش مطالبی را به دروغ به مأمورین نیروی انتظامی نسبت داد که سایر متهمین از جمله آقایان جواد غلام تمیمی، شهرام رفیع‌زاده، روزبه میرابراهیمی، امید معماریان نسبت به این اقدام خلاف واقع آقای مزروعی از خود واکنش نشان داده و با ارسال نامه‌هایی مفصل و مجزا به خبرگزاری‌های مختلف، حقایق پیرونده و نحوه رفتار مأمورین نیروهای انتظامی و زندان اوین را تشریح و تبیین نمودند و حسب اطلاع، این متهمین شخصاً به محل ساختمان خبرگزاری‌ها از جمله خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، خبرگزاری فارس و غیره مراجعه و با دادن توضیح شفاهی اصرار داشتند برخورد قانونی و توأم با رأفت اسلامی مأمورین نیروی انتظامی و همچنین تخلفات، اشتباهات و غفلت‌های خودشان که موجب تعقیب و بازداشتشان گردیده در این رسانه‌ها منتشر گردد تا موجبات هوشیاری سایر افراد و پیشگیری از اغفال دیگران گردد که انعکاس مطبوعاتی و رسانه‌ای این مطالب را شاهد بودیم.

متعاقب این عملکرد متهمین سایت امروز، برخی افراد مغرض سیاسی که عملکرد این افراد را برای خود و اهداف مجرمانه گروه مربوطه و ادامه فعالیت سایت غیرقانونی امروز زیانبار دیدند - از جمله آقای عیسی سحرخیز، محمدعلی ابطحی، رجبعلی مزروعی، ماشاءاله شمس‌الواعظین که متهمین نیز در پرونده از اعمال خلاف قانون برخی از آنها مطالب مفصلی بیان کرده بودند - با تشکیل ستادی به مسؤولیت آقای ابطحی سلسله اقدامات برنامه‌ریزی شده‌ای بر روی دوستان، خانواده و شخص متهمین پیاده نموده و آنها را با تطمیع و لطایف الحیل که شرح آن در این مقال نمی‌گنجد تشویق نمودند تا مطالب دیکته شده این گروه را علیه مأمورین صدیق نیروی انتظامی و سیر قضایی پرونده و اتهامات واهی وارده بیان نمایند تا اولاً با پرداختن به مسائل حاشیه‌ای و دروغ‌بافی، اصل اتهامات این افراد در بوته فراموشی افکار عمومی قرار گیرد. ثانیاً با ایراد تهمت و افتراء نسبت به نهادهای نظام و انعکاس آن در رادیوهای بیگانه و رسانه‌های ضدانقلاب، نظام اسلامی ایران را در نهادهای بین‌المللی به ناحق متهم به تضییع حقوق شهروندی و اعمال شکنجه و خشونت نمایند.

نیروی انتظامی در راستای وظیفه قانونی خود توطئه مذکور را کشف و ابعاد

کینه‌توزانه این جریان مسموم را خطاب به آن مرجع محترم گزارش نمود که حسب‌الارجاع، مراتب جهت رسیدگی به بازپرسی شعبه اول دادسرای کارکنان دولت ارسال و بازپرس محترم با جدیت وارد رسیدگی گردید.

حضرت عالی نیز پس از ملاقات مردمی روز دوشنبه ۱۴/۱۰/۸۳ در جمع خبرنگاران در پاسخ به سؤالی در خصوص شایعات این گروه اعلام نمودید اگر در جریان این رسیدگی مأموری از نیروی انتظامی و یا زندان تخلف کرده باشد و یا خلاف آن ثابت شود با شدت برخورد قانونی صورت خواهد گرفت و چنانچه برخی افراد مغرض نیز با انتشار اکاذیب و تهمت و افتراء قصد سیاه‌نمایی علیه نیروی انتظامی و نهادهای نظام را داشته باشند با آنها نیز برخورد قاطعانه صورت خواهد گرفت بنا به مراتب فوق نسبت به مسائل زیر تقاضای رسیدگی و اعلام نتیجه فوری را دارد.

۱- افراد مغرضی مثل عیسی سحرخیز و ماشاء‌الله شمس‌الواعظین که در کینه‌توزی و دشمنی علیه نهادهای نظام اسلامی و همکاری با گروه‌های معاند و مخالف نظام و رسانه‌های بیگانه و دشمن میهن اسلامی شهره می‌باشند با سوءاستفاده از موقعیت سابق خانم فرشته قاضی که قبلاً در روزنامه‌های زنجیردای و توقیفی «خبر» خبرنگار آنها بوده دروغی بزرگ و افتزایی آشکار به مأمورین نیروی انتظامی وارد نموده و طی سناریویی آقای عیسی سحرخیز با رادیو آلمان مصاحبه می‌نماید و صریحاً اعلام می‌کند که فرشته قاضی در دوران بازداشت توسط مأمورین نیروی انتظامی مورد شکنجه قرار گرفته و بینی ایشان در اثر شکنجه شکسته شده است، آقای ماشاء‌الله شمس‌الواعظین نیز همین مطالب کذب را ادامه داده تا اینکه در تاریخ ۱/۱۰/۸۳ در مصاحبه با رادیو بی‌بی‌سی صریحاً نیروی انتظامی را به اعمال شکنجه در دو سطح شکنجه‌های سفید و شکنجه‌های قرمز متهم نموده و با شرح و تفصیل غیر واقعی به ضرب و شتم شدید خانم فرشته قاضی اشاره کرده که در سلول انفرادی منجر به شکستگی بینی و خونریزی شده است. این حمله تبلیغاتی گروه مذکور در رسانه‌های بیگانه به عنوان شکنجه در ایران تبلیغ و نظام اسلامی را در سطحی وسیع مواجهه با سناریوی کاذب این گروه مغرض داخلی و حمله ناروا و ناجوانمردانه نموده است. در

ادامه پیکیری موضوع، بازپرس محترم شعبه اول دادسرای کارکنان دولت مراتب را به پزشکی قانونی استان تهران منعکس نموده که نتیجه طی نامه شماره ۸۸۸/م/۱/۱ مورخه ۸۳/۱۰/۱۵ به شعبه بازپرسی مذکور اعلام و ثبت و ضمیمه پرونده شده است. پزشکی قانونی در این اظهارنظر با شرح بررسی‌های به عمل آمده شامل معاینه، انجام رادیوگرافی جدید از بینی، اخذ پرونده بالینی و فتوگرافی‌های مربوط به عمل جراحی پلاستیک بینی، اخذ سوابق بالینی مربوط به معاینه پزشکی در بهداری زندان، استعلام کتبی و تشکیل جلسه مشاوره حضوری با پزشکان معالج خانم فرشته قاضی نتیجتاً اظهارنظر صریح نمودند که نامبرده در تاریخ ۸۳/۲/۱۹ مورد عمل جراحی پلاستیک بینی قرار گرفته و مدعی است در حدود تاریخ نهم ابان ماه سال جاری با میکانیزم کوبیدن صورت و بینی بر روی دسته صندلی و دچار ضرب‌دیدگی شدید بینی شده است در معاینات انجام شده در مرکز پزشکی قانونی هیچ‌گونه آثار و علانمی از ضرب و جرح وجود ندارد و در بررسی‌های به عمل آمده نیز شواهد و یافته‌های پزشکی قابل استنادی به نفع تأیید ادعای خانم قاضی بدست نیامد. پزشکی قانونی همچنین گواهی آقای دکتر پدرام‌نیا را که در جهت جریان سازی سوء، اخذ شده با این استدلال که جزییات علانم بالینی مورد استناد «دکتر علی پدرام‌نیا» پزشک عمومی با اطلاعات ارایه شده از سوی پزشک متخصص جراحی پلاستیک (پزشک معالج) که قبل از وی خانم فرشته قاضی را معاینه کرده کاملاً در تضاد و تناقض دانسته و گواهی آقای «دکتر علی پدرام‌نیا» (پزشک عمومی) را به دلیل عدم مطابقت با سایر دلایل موجود در پرونده مردود اعلام نموده است. همچنین پزشکی قانونی با بررسی‌های به عمل آمده و توضیحاتی که آقای دکتر مجید داوودی متخصص جراحی پلاستیک که پزشک معالج ایشان هستند چنین ذکر می‌نماید که پزشک مذکور بنا به درخواست خانم قاضی گواهی‌ای دال بر شکستگی بینی و نیاز به عمل جراحی با اصرار و تقاضای بیمار به قصد استفاده از تسهیلات بیمه صادر کرده است و صریحاً این پزشک متخصص به پزشک قانونی اعلام می‌نماید که علانم بالینی مشاهده شده با ادعای خانم قاضی مغایرت داشته و خیلی بعید است که ضربه‌ای (ادعایی) که بیش از یک ماه از آن گذشته باشد دیده شود.

لذا با توجه به مشروح تحقیقات و بررسی‌های به عمل آمده توسط پزشکی قانونی و اظهارات پزشک متخصص معالج، صحنه سازی و تحصیل دلایل واهی و فریب پزشک با سوءاستفاده از قصد استفاده از تسهیلات بیمه، برنامه‌ریزی خانم فرشته قاضی و همسر وی آقای بیگلو و آقایان شمس‌الواعظین و عیسی سحرخیز، محمدعلی ابطحی ثابت و محرز گردید لذا از آن مرجع محترم تقاضا دارد به ادعای واهی این افراد و ایراد تهمت و افتراء که از طریق علمی (پزشکی) و قانونی کذب بودن آن ثابت گردیده رسیدگی و متخلفین به مجازات قانونی محکوم شوند.

۲- آقای ابطحی با سوءاستفاده از جایگاه هیأت نظارت و پیگیری قانون اساسی و مشاورت رییس‌جمهور متهمینی که در سایت غیرقانونی امروز فعالیت داشته‌اند را یک به یک دعوت و با فریب و نیرنگ آنها را تحریک می‌نماید که علیه اطلاعات نیروی انتظامی سخن بگویند و مطالب کذبی را نسبت دهند که البته انگیزه وی بر افراد آگاه و مطلع پوشیده نیست لیکن سوءاستفاده از این جایگاه و تقلیل این نهاد به منبعی برای خبرسازی سایت شخصی ایشان دون شأن اعضای منتخب توسط ریاست محترم جمهوری است، عملکرد ایشان در خبرسازی و انتشار مطالب کذب و مسائلی که نه تنها در هیچ محکمه‌ای ثابت نشده بلکه با نظر نهاد رسمی و قانونی کشور و با دلایل علمی کذب بودن آن اعلام شده است از مصادیق افتراء و ممنوعیت مقرر در ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری است.

لذا تقاضا دارد از انتشار اینگونه مطالب کذب و انتساب مطالب واهی به نیروی انتظامی و نهادهای حافظ نظام که رسانه‌های بیگانه و ضدانقلاب و عوامل معاند و گروه‌های محارب حداکثر بهره‌برداری را از مطالب سایت شخصی ایشان به نقل از جلسات هیأت نظارت و پیگیری قانون اساسی کرده‌اند بنحوی شایسته جلوگیری بعمل آید و متخلفین مورد اشاره تعقیب و به مجازات قانونی برسند ضمناً در خصوص سوءنیت آقای محمدعلی ابطحی این نکته قابل توجه است که ایشان به موجب اعلام کتبی یکی از متهمین به نام آقای جواد غلام تمیمی که در پرونده موجود در شعبه اول بازپرسی کارکنان دولت ثبت و ضبط گردیده توسط آقای ابطحی قرار ملاقاتی با این

متهم در مجموعه سعدآباد گذاشته می‌شود و در دفترش ملاقاتی با او برگزار می‌کند. و زمانی که آقای تمیمی در پاسخ به سؤال آقای ابطحی صریحاً اعمال هرگونه شکنجه و بدرفتاری و در انفرادی بودن را رد می‌نماید و رفتار قانونی و توأم با رأفت اسلامی مأمورین نیروی انتظامی و زندان اوین را تشریح می‌کند آقای ابطحی به ایشان تأکید می‌کند به مصلحت نظام نیست که شما دیگر مصاحبه کنید و در رابطه با پرونده‌تان صحبتی به عمل آورید و بهتر است سکوت کرده و حرفی نزنید، جای بسی شگفتی است چگونه وقتی افرادی علیه نیروی انتظامی و زندان صحبت می‌کنند ایشان با آب و تاب مطالب را در سایت شخصی خود برخلاف قانون منتشر می‌کند و آن را به مصلحت نظام می‌داند اما صحبت فردی که متهم بوده و از خوشرفتاری نیروی انتظامی و مطلوب بودن وضعیت زندان و برخورد توأم با رأفت اسلامی سخن می‌گوید به او تأکید می‌شود که دیگر مصاحبه نکند و سخن نگوید که به مصلحت نظام نیست، خداوند عاقبت همه ما را ختم به خیر گرداند.

معاونت اطلاعات ناجا

بسمه تعالی

شماره ۸۳-۴۳۶۷

تاریخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۷

جناب آقای حسینی

بازپرس محترم شعبه اول دادسرای کارکنان دولت

با سلام

عطف به نامه شماره ۸۳/ب/۱۳۹ مورخ ۱۳۹/۱۰/۱۶ نکات زیر به استحضارتان

می‌رسد.

۱- در پی ارسال نامه تظلم‌آمیز آقای رجبعلی مزروعی پدر حنیف مزروعی به مقام معظم رهبری، خدمت ریاست محترم جمهوری و درخواست بررسی موضوع نحوه دستگیری و بازداشت و بازجویی و رفتار با فرزندش و اشاره به وضع مشابه متهمین دیگر و قابل تأمل بودن نحوه مصاحبه و انتشار مطالب از سوی برخی متهمان، طبق معمول آقای رییس‌جمهور موضوع را به هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی جهت بررسی ارجاع فرمودند آقای حنیف مزروعی و برخی از متهمین آزاد شده دیگر که در کمیسیون حقوق بشر اسلامی نیز حضور یافته و وضعیت دوران بازداشت و بازجویی خود را بیان کرده بودند مایل بودند در هیأت پیگیری نیز حضور یافته و مطالب خود را اظهار دارند که طبعاً هیأت هم در جهت بررسی موضوع طبق ارجاع ریاست محترم جمهوری از حضور و استماع توضیحات آنان استقبال کرد.

روز شنبه مورخ ۸۳/۱۰/۱۵ آقایان حنیف مزروعی، مسعود قریشی، آرش نادرپور و خانم‌ها: فرشته قاضی (به اتفاق همسرش احمد محمدبیگلو) و محبوبه عباسقلی‌زاده در جلسه هیأت حضور یافتند و مطالبی در خصوص نحوه بازداشت، برخورد توهین‌آمیز، ضرب و شتم برای گرفتن اقرار به ویژه در خصوص مسائل اخلاقی و داشتن رابطه نامشروع، نگهداری طولانی مدت در زندان انفرادی و... بیان داشتند. خانم عباسقلی‌زاده اظهار داشت مورد ضرب و شتم قرار نگرفته ولی تهدید شده است. خانم فرشته قاضی ضمن بیان مطالب مختلفی از بدرفتاری‌های دوران بازجویی از جمله اظهار داشت در حین بازجویی، بازجو ضربه‌ای به پشت سر او زده که صورتش به دسته صندلی خورده

و خون به اطراف و لباسهایش پاشیده شده و چون بینی‌اش را عمل کرده بوده و می‌بایست مراقب آن باشد در اثر این ضربه دچار مشکل شده که بعداً متوجه شده شکستگی پیدا کرده است.

تا آنجا که من به یاد دارم در اظهارات خانم قاضی و دیگر افراد حاضر در جلسه تصریحی و تأکیدی بر اینکه بد رفتاری‌های ادعایی، از سوی مأموران نیروی انتظامی صورت گرفته وجود نداشت؛ آنچه ادعا می‌شد اینکه در حین بازجویی، در دوران بازداشت و احیاناً زمان نقل و انتقال، توسط بازجو و یا مأموران این رفتارها با آنان صورت می‌گرفته و اعتراض بیشتر آنان در ارتباط با طرح مسائل اخلاقی و اصرار بر اعتراف به روابط نامشروع و نیز مسأله‌ای که با اصطلاح تک‌نویسی معروف شده است، بود.

در ارتباط با محل بازداشت، اکثر آنها می‌گفتند ابتدا به اداره اماکن در خیابان استاد مطهری برده شده و بعداً به بازداشتگاه ناشناخته‌ای که حدس می‌زدند در حوالی میدان مادر میرداماد و مربوط به اطلاعات ناجا باشد انتقال یافته‌اند. در مطلبی هم که در سایت آقای ابطحی در ارتباط با این ملاقات منعکس شده (که تصویر پرینت آن پیوست است) ارتکاب اعمال ادعایی به ویژه ضرب و شتم خانم قاضی و شکستگی بینی نامبرده به نیروی انتظامی نسبت داده نشده است. (تصویر شکواییه آقای محمدبیکلو همسر خانم فرشته قاضی به رؤسای جمهوری و قوه قضاییه که هم از سوی خود او در جلسه و هم از طرف ریاست محترم جمهوری در اختیار هیأت قرار گرفته بود جهت ملاحظه و عنداللزوم رسیدگی و بررسی لازم که در عین حال نسبت خاصی به نیروی انتظامی داده نشده به پیوست ارسال می‌گردد.)

۲- هیچ منع و تجویزی از سوی هیأت برای انتشار مطالب مطرح شده در جلسه مزبور توسط آقای ابطحی به عمل نیامده و هیچ‌گاه نیز معمول نبوده که هیأت، اعضاء خود را ممنوع از نقل مطلبی بنماید. اعضاء هیأت به مسؤولیت خود و بدون بیان موضع هیأت در رابطه با مطالب و مسائل مطروحه تصمیم‌گیری می‌کنند.

در خصوص جلسه فوق‌الذکر نیز پس از پایان جلسه، آقای ابطحی هنگام خروج از بنده سؤال کردند آیا تصویب شد که این مطالب نقل نشود؟ و اینجانب پاسخ دادم در

جلسه چیزی تصویب نشد و رأی گیری صورت نداشت

۳- در خصوص دستور جناب عالی به اتخاذ ترتیبی برای خریداری آقای ابطی از عمل مغایر با مفاد ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری، با اینکه ماده مزبور در جلسه هیأت با حضور جناب آقای ابطی قرائت شد، ولی به نظر اعضای هیأت ارتباط مفاد این ماده که مربوط به بیان حکم علنی بودن جلسات دادگاه و نحوه آن و موارد مستثنی از حکم کلی علنی بودن دادگاه می باشد با مانحن فیه روشن نیست. ضمن اینکه معلوم نیست چگونه این هیأت می تواند ترتیبی اتخاذ کند که دیگری خلاف قانون عمل ننماید؟

۴- پس از نشر قسمتی از اظهارات پنج نفر مازالذکر در جلسه شنبه مورخ ۸۳/۱۰/۵ هیأت در سایت آقای ابطی، آقای مرتضوی دادستان محترم تهران روز سه شنبه ۸۳/۱۰/۸ تلفنی با اینجانب تماس گرفتند و ضمن اعتراض به درج آن مطالب در سایت آقای ابطی فرمودند شما باید چهار نفر متهم دیگر را نیز دعوت کنید که در هیأت حضور یابند و اظهارات آنها را استماع نمایند. اسامی آن چهار نفر را که فرمودند یادداشت کنم عبارت بود از آقایان: شهرام رفیع زاده، روزبه میرابراهیمی، امید معماریان و جواد تمیمی. بنده به ایشان گفتم ما از حضور افراد مزبور در جلسه هیأت و استماع نظراتشان استقبال می کنیم ولی چون خودشان به ما مراجعه نکردند و نشانی هم از آنها در دست نداریم جناب عالی به اطلاعشان برسانید که در جلسه هیأت که شنبه آیند تشکیل می شود شرکت نمایند. روز شنبه ۸۳/۱۰/۱۲ آقایان روزبه میرابراهیمی به اتفاق همسرش و امید معماریان در جلسه هیأت حضور یافتند و دو نفر دیگر نیامدند گفته شد آقای رفیع زاده در شهرستان بوده و به آقای تمیمی هم در آن وقت دسترسی پیدا نشده به هر حال در آن موقع حضور نیافتند از سوی هیأت گفته شد هر وقت خواستند می توانند تماس بگیرند و به هیأت مراجعه کنند و اظهاراتی که مایلند به سمع هیأت برسد بگویند که تاکنون این دو نفر مراجعه نکرده اند.

در هر صورت آقایان روزبه میرابراهیمی و امید معماریان نیز در این جلسه در ارتباط با دستگیری و بازداشت و نوع رفتار با آنها مطالبی شبیه آنچه گروه اول گفته بودند ابراز داشتند و علی الاصول گفته های آنها را در رفتار نامناسب، توهین شدید، ضرب و شتم، اعمال فشار به طرق مختلف برای اعتراف گیری به انجام خلاف های

اخلاقی و... تأیید نمودند و اضافه کردند که انجام مصاحبه و نوشتن نامه و اظهار ندامت از سوی آنها تحت فشار و تهدید و احساس ترس صورت گرفته است.

به هر حال کشف صحت و سقم مطالب عنوان شده با مقامات محترم قضایی و مخصوصاً دادگاه محترم رسیدگی کننده به اتهامات خواهد بود.

۵- طبق رویه معموله هیأت، گزارش اجمالی از این دو ملاقات و اظهارات و ادعاهای بدون دآوری در صحت و سقم آنها و طبعاً ابراز نگرانی در صورتی که حتی برخی از این اظهارات درست باشد به ریاست محترم جمهوری منعکس شد و اظهار امیدواری شد که هیأت دیگری که ظاهراً برای بررسی این موضوع تشکیل شده و طبعاً با هماهنگی قوه قضاییه، قبل از فرارسیدن (یوم تبلی السرائر) که با کنار رفتن زبان و ممهور شدن دهان (الیوم نختم علی افواههم) به حکم احکم الحاکمین، دست و پا و سایر اندامها به سخن درمی آیند و همه چیز را آشکار می کنند، حقیقت مکشوف افتد، و دستگاد محترم قضایی بتواند به عدل و حق حکم کند. آن گونه که در رسانه های گروهی اعلام شد. موضوع خدمت ریاست محترم قوه قضاییه حضرت آیه الله شاهرودی نیز مطرح شده و ایشان دستور رسیدگی دقیق را داده اند و انشاءالله با رسیدگی همه جانبه واقعیت معلوم می شود.

توفیق روزافزون جناب عالی را در رسیدگی بیطرفانه و احقاق حق و اجرای عدالت از خداوند بزرگ خواستارم که: عدل ساعة خیر من عبادة سبعین سنة.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و

نظارت بر اجرای قانون اساسی

رونوشت:

- حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران
به پیوست تصویرنامه آقای بازپرس محترم شعبه اول دادسرای کارکنان دولت و شکایت
نیروی انتظامی جهت اطلاع و هرگونه اقدام لازم.

در مورد نامه خانم شیرین عبادی

بسمه تعالی

شماره ۸۳-۱۰۸۷۶

تاریخ ۱۳۸۳/۱۱/۲۸

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای یونسی

وزیر محترم اطلاعات

سردار سرتیپ پاسدار خلبان قالیباف

فرمانده محترم نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

جناب آقای دکتر مهرپور

رئیس محترم هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

نامه مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۲۰ خانم شیرین عبادی و ضمائم آن درباره امنیت قضایی و جانی ایشان (تصاویر پیوست) به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«۱- هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی پیگیری کند.

۲- وزارت محترم اطلاعات با جدیت و همه جانبه مسأله را رسیدگی کند و نهایت کوشش را در جهت تأمین امنیت ایشان به عمل آورد.

۳- نیروی انتظامی نیز طبق قولی که داده است اقدام و در حفاظت بکوشد.

امیدوارم همه چیز در چارچوب قانون و با رعایت حقوق شهروندی عملی گردد.»

جناب حجة الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

احتراماً: با سپاس از این که چند هفته قبل فرمودید که امنیت من را تضمین خواهید فرمود، ضروری می‌دانم مطالبی را به استحضار برسانم:

الف - طی یک ماه گذشته دو بار از سوی قوه قضاییه به عنوان متهم به دادرسی فراخوانده شدم - بار اول از سوی شعبه ۱۴ بازپرسی مستقر در دادگاه انقلاب که مسؤول رسیدگی به امور امنیتی و اتهامات سیاسی است (پیوست شماره یک) - دادرسی عمومی و انقلاب تهران متعاقب واکنش‌های ملی و بین‌المللی، اعلام کرد که پرونده براساس شکایت شاکی خصوصی تشکیل شده و منجر به صدور قرار منع پیگرد شده و پرونده مختومه شده است. هرچند که هنوز قرار صادره به من یا وکلای من، ابلاغ نشده است، اما با خوش‌بینی اظهارات عنوان شده را صحیح می‌پندارم.

بار دوم از سوی شعبه هشتم دادگاه عمومی تهران توسط وکلای خود (آقایان سیف‌زاده و احدی) به عنوان متهم برای روز ۱۳۸۳/۱۲/۵ ساعت ۸ $\frac{1}{2}$ جهت محاکمه احضار شدم (پیوست شماره دو) بدون آنکه بدانم اتهام جدید من چیست و عاقبت این پرونده به کجا ختم خواهد شد.

ب - تاکنون به کرات تهدید به قتل شدم و حتی به دلالت پرونده قتل‌های زنجیره‌ای - که حداقل ۱۴ وکیل دادگستری آن را مطالعه کرده‌اند - قرار بوده من را با هفت‌تیر در خیابان به قتل برسانند و خوشبختانه قبل از اجرای برنامه قاتلین دستگیر می‌شوند - و اکنون با اتمام مدت محکومیت، آزادانه در اجتماع به سر می‌برند. عداوت مخالفین من تا حدی است که فردی مختل‌المشاعر را مدتها علیه من تحریک نمودند. مراتب را جهت ثبت در تاریخ به نیروی انتظامی هم گزارش کرده‌ام - به هر حال تهدیدات کتبی و شفاهی ادامه دارد و حتی دو بار نیز با شکستن حصار فلزی پارکینگ منزل سعی در قدرت‌نمایی داشته‌اند.

پ - من در سال ۱۳۷۸ در پرونده موسوم به نارسازان مدتی در بند ۲۰۹ زندان اوین، زندانی شدم. سرانجام طبق رأی دادگاه تجدیدنظر استان تهران به پرداخت جزای نقدی محکوم شدم. با وجودی که بیش از چهار سال از تاریخ صدور حکم و قطعیت آن می‌گذرد، هر بار که برای پرداخت جریمه و آزاد ساختن سند منزل که وثیقه رهایی من بود، مراجعه کردم، دادگاه بدون عذر موجه تعلل نموده است و سند منزل من هنوز، بدون مجوز قانونی، در وثیقه دادگستری است.

ت - طی دو ماه اخیر، در غیاب من، دو بار افرادی به دفتر کانون مدافعان حقوق بشر که ریاست آن را بر عهده دارم، مراجعه کردند. بار اول خود را مأمورین اداره اماکن و بار دوم مأمورین نیروی انتظامی معرفی کردند و هر بار با رفتاری خشن عنوان نمودند که قصد بازرسی داشته و می‌خواهند منشی کانون را جلب نمایند و چون برگ شناسایی و یا حکم قضایی ارائه نمودند از ورود آنان جلوگیری به عمل آمد.

مراتب را به نیروی انتظامی گزارش نمودم، شفاها اظهار داشتند که مراجعین افرادی خودسر بوده و هیچ‌گونه سابقه‌ای در ارگان‌های ذیربط انتظامی وجود ندارد.

ریاست محترم جمهوری

جناب عالی دو مرتبه طبق اصل ۱۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سوگند یاد کردید که حافظ و حامی آزادی و حقوقی باشید که قانون اساسی آن را به رسمیت شناخته است و بدین جهت شما را مورد خطاب قرار داده و صراحتاً اعلام می‌کنم که در شرایط حاضر امنیت قضایی و جانی ندارم زیرا عده‌ای با ارباب و تهدید و در صورت امکان با پرونده‌سازی قصد دارند به هر نحو ممکن مانع از ادامه فعالیت‌های من شوند و شما به خوبی واقف هستید که هرگز هدفی جز ارتقاء حقوق بشر در ایران نداشته و به هیچ حزب و گروهی نیز وابسته نیستم.

جای حیرت و تأسف در این است که در شرایطی که شهروندی چون من که به علت جایزه صلح نوبل مورد توجه محافل بین‌المللی است و به نکات حقوقی نیز وقوف کامل

دارد، نمی‌تواند با امنیت و آسودگی وظایف اجتماعی خود را انجام دهد، چگونه می‌توان آرامش خاطر و امنیت جانی سایر شهروندانی را که فاقد چنین مزایایی هستند، تأمین و تضمین نمود؟

با احترام

شیرین عبادی

۱۳۸۳/۱۱/۲۰

بسمه تعالی

شماره ۸۳-۴۴۵۷

تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۹

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

عطف به نامه شماره ۱۰۸۷۶-۸۳/م مورخ ۸۳/۱۱/۲۸ در ارتباط با تظلم خانم شیرین عبادی به جناب عالی نسبت به تهدیدها و نوع برخورد دستگاه قضایی با نامبرده موضوع در جلسه هیأت مطرح و از خانم عبادی نیز برای حضور در جلسه دعوت به عمل آمد، نامبرده در جلسه هیأت اظهار داشت، اصولاً پس از دریافت جایزه نوبل برخوردهای نامناسب از سوی برخی از افراد و مطبوعات علیه نامبرده صورت می‌گیرد و وی را متهم به طرفداری از اسرائیل یا بهاییان و حمایت بهاییان از او می‌نمایند که همین امر می‌تواند بعضی از افراد را تحریک نموده، و امنیت جانی او را به خطر بیاندازد و در این راستا خواستار تمهیداتی جهت جلوگیری از انتشار این گونه مطالب خلاف واقع علیه وی که فردی مسلمان و مدافع مظلومیت فلسطینیان بوده، و مطلبی علیه اسلام بیان نداشته، بود. در ارتباط با نوع برخورد دستگاه قضایی اظهار می‌داشت در ۸۳/۱۰/۲۰ احضاریه‌ای از سوی بازپرس شعبه ۱۴ برای وی فرستاده شد، که جهت اخذ توضیح در آن شعبه حاضر شود بدون اینکه معلوم شود برای چه امر و تحت چه عنوانی احضار شده است به هر حال بعداً اعلام شد که به دنبال شکایت شاکی خصوصی، ایشان را احضار کردند و بعد هم بازپرس قرار منع تعقیب صادر کرده است. در مراجعاتی که به شعبه مزبور داشته و قرار منع تعقیب را رؤیت کرده، معلوم شده فردی علیه نامبرده بدین جهت که حدود یک سال پیش با آقای شیراک رییس جمهور فرانسه ملاقات کرده و با او دست داده است، به عنوان توهین به مقدسات و شخص شاکی که به عنوان یک مسلمان این عمل را اهانت به خود تلقی نموده شکایت کرده است.

مورد دوم طی احضاریه‌ای از سوی شعبه ۸ دادگاه عمومی تهران وکلای وی را برای محاکمه و جلسه رسیدگی به اتهام وی در تاریخ ۸۳/۱۲/۵ احضار کردند. در مراجعه وکلای وی مشخص شد موضوع مربوط به پرونده معروف به نوارسازان است که نامبرده و آقای رهامی به عنوان متهم به نشر اکاذیب چند سال پیش تحت تعقیب قرار گرفته و وی که مدت ۲۵ روز در بازداشت در زندان اوین به سر برده با سپردن وثیقه آزاد و ابتدا در دادگاه بدوی به ۱۵ ماه حبس و سپس در تجدیدنظر به مبلغی جزای نقدی محکوم شد و حکم قطعیت پیدا کرد تاکنون هر چه برای اجرای حکم و پرداخت جریمه و آزاد کردن سند منزل خود که وثیقه گذاشته مراجعه کرده است دادگستری از اجرای حکم خودداری نموده است و هم‌اکنون ظاهراً با این توجیه که در حکم بدوی قید شده است پرونده در مورد سایر متهمین مفتوح است و بدون اینکه معلوم شود موضوع چه ارتباطی به شخص ایشان دارد برای رسیدگی وکلای وی را احضار کرده‌اند. این ذهنیت برای خانم عبادی پدید آمد، که با این نوع احضاریه‌ها قصد ازار و ناامن کردن خاطر او را دارند.

در خصوص حفاظت فیزیکی از مشارالیه‌ها جناب عالی دستور مجدد به نیروی انتظامی دادید، و تأکید فرمودید. در ارتباط با این نوع احضاریه‌ها به هر حال آنچه هیأت می‌تواند نظر بدهد، رعایت کامل موازین دادرسی و اصول دادرسی عادلانه مقرر در قانون اساسی و قوانین ایین دادرسی است که احضار و بازجویی و محاکمه، اصول و قواعد خاص خود را دارد و اگر درست رعایت نشود حقوق شهروندی افراد که این روزها مخصوصاً از سوی دستگاه قضایی بر لزوم توجه به آن تأکید زیاد می‌شود، نقض خواهد شد، نوع دو احضاریه‌ای که برای خانم عبادی ارسال شده، با توجه به توضیحات مشارالیه‌ها با رعایت حقوق شهروندی و ضوابط و قواعد دادرسی همخوانی ندارد، البته همه افراد در برابر قانون و دادگاهها مساوی هستند و مرجع قضایی اختیار دارد با رعایت مقررات قانونی نسبت به احضار و اخذ توضیح و بازجویی و محاکمه افراد اقدام نماید. اگر صلاح بدانید جناب عالی در راستای حفظ و حمایت از حقوق و آزادی‌های

شهروندان تذکر لازم را بر رعایت ظرایف قانونی و پرهیز از این نوع برخوردها و احضارها نسبت به هر فردی به دستگاد قضایی بدهید. امید است سرودمند افتد و مثمرثمر باشد.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و

رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۸۳-۱۱۶۶۶

تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۷

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای ایزدپناه
ریس محترم حوزه ریاست قوه قضاییه

با سلام

نامه‌ی شماره‌ی ۸۳-۴۴۵۷ مورخ ۸۳/۱۲/۱۹ هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی ریاست جمهوری و ضمائم آن در خصوص درخواست خانم شیرین عبادی (تصاویر پیوست). به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«با تأیید مضمون گزارش عیناً جهت استحضار حضرت
آیة الله هاشمی و صدور دستور مقتضی از سوی ایشان منعکس
شود.»

سیدعلی خاتمی

رونوشت:

- جناب آقای دکتر مهرپور

ریس محترم هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

سیدعلی خاتمی

شماره ۵۴۲/۸۴

تاریخ ۱۳۸۴/۱/۲۳

جناب آقای مرتضوی

دادستان محترم عمومی و انقلاب تهران

با سلام

نامه شماره ۱۱۶۶۶-۸۳/م - ۸۳/۱۲/۲۷ دفتر ریاست محترم جمهوری در مورد خانم

شیرین عبادی به استحضار ریاست محترم قوه قضاییه رسید، مرقوم فرمودند:

«بسمه تعالی - جناب آقای مرتضوی دادستان محترم تهران بنده هم‌این‌گونه احضارهای بی‌مبنا را خلاف شأن دستگاه قضایی و وهن نظام و خدمت به دشمنان می‌بینم. خواهشمندم دستور اکید داده با این قبیل اقدامات در دادرها برخورد قاطع شود در غیر این صورت اینجانب شخصاً دخالت کرده با مسئولین دادرها برخورد خواهم نمود. یکی از وظایف مهم دادستانها مخصوصاً دادستان تهران مدیریت صحیح و مدبرانه جریان دادرسی‌های کیفری است و اشراف و نظارت کامل بر زیرمجموعه‌ها، مسؤولان در احضاریه فوق‌الذکر را بخواهید و بازخواست کنید و تذکر دهید در صورت صدور رویه‌های مشابه از کار برکنار خواهند شد.»

لذا تصویر نامه فوق به همراه تصویر ضمیمه آن جهت ملاحظه و صدور دستور لازم

به پیوست ارسال می‌گردد.

عبدالرضا ایزدپناه

رییس حوزه ریاست قوه قضاییه

بسمه تعالی

شماره ۸۴-۳۴۴

تاریخ ۱۳۸۴/۲/۵

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای ایزدپناه

رئیس محترم حوزه ریاست قوه قضائیه

با سلام

نامه شماره ۵۴۲/۸۴/م مورخ ۸۴/۱/۲۳ به همراه نامه شماره ۳۵۳۰۸/۱/۸۰/م مورخ ۸۴/۱/۱۰ نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (تصویر پیوست)، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«با تشکر از قوه محترم قضائیه، هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی و نیروی انتظامی امیدوارم در آینده شاهد امور نادرست نباشیم.»

سیدعلی خاتمی

گیرندگان:

- سردار سرتیپ عبداللہی

سرپرست محترم نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، همراه با تصویر رئیس جمهور

محترم حوزه ریاست قوه قضائیه

- جناب آقای دکتر مهرپور

رئیس محترم هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، همراه با تصویر

در مورد ممنوع الخروج‌ها

بسمه تعالی

شماره ۸۴-۱۵۴

تاریخ ۱۳۸۴/۳/۴

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

به استحضار می‌رساند تعدادی از افرادی که حسب اظهار خودشان به عناوین مختلف از خروج آن‌ها از کشور جلوگیری شده و یا گذرنامه آن‌ها اخذ و مسترد نشده یا با مراجعه برای دریافت گذرنامه جدید به لحاظ انقضای مدت از صدور گذرنامه جدید برایشان خودداری شده به هیأت مراجعه و خواستار رسیدگی به موضوع و اقدام مقتضی از سوی ریاست محترم جمهوری از این جهت که یکی از حقوق اساسی شناخته شده آن‌ها در قانون اساسی نقض شده گردیدند.

عمده مطلب و اظهار متظلمانه آنان این است که ممنوعیت خروج یا عدم تحویل یا عدم صدور گذرنامه برای آنان، یا مستند به دستور مقام قضایی می‌شود که دستور قضایی را به آنان ابلاغ نمی‌کنند تا از حق اعتراض استفاده کنند یا بدون صدور دستور مقام قضایی با ایرادات و اشکال تراشی‌های نیروی انتظامی و احیاناً وزارت اطلاعات به هر حال از خروج آن‌ها از کشور و یا صدور گذرنامه جلوگیری می‌شود و در مواردی از آن‌ها خواسته شده به محلی در نیروی انتظامی مراجعه و به سؤالات آن‌ها پاسخ دهند (و کسانی که مراجعه کردند نوعی بازجویی مفصل از جنبه‌های مختلف شخصی از آنان به عمل آمده است) تا برای صدور گذرنامه و رفع ممنوعیت آنها اقدام شود.

یکی از مراجعه‌کنندگان (آقای احمد زیدآبادی) می‌گفت در چند سال پیش که برای دستگیری او به خانه‌اش مراجعه کردند و خانه را مورد تفتیش و بازرسی قرار دادند، گذرنامه را نیز مأمورین با خود بردند و بعد هم گفتند مفقود شده حال که برای گرفتن

گذرنامه جدید مراجعه کرده نیروی انتظامی بدین جهت که وضعیت گذرنامه مفقود شده که تاریخ اعتبار آن هم منقضی شده روشن نیست و مرجع ضبط کننده گذرنامه نیز پاسخ نمی‌دهد و مسئولیت گم شدن آن را به عهده نمی‌گیرد از صدور گذرنامه جدید خودداری می‌نماید.

در ارتباط با حکم قانونی ممنوع‌الخروج کردن افراد و عدم صدور گذرنامه برای آنان نظر جناب عالی را به نکات زیر معطوف می‌دارد:

۱- طبق بند ۱ ماده ۱۶ قانون گذرنامه اصلاحی سال ۱۳۶۲ به کسانی که به موجب اعلام کتبی مقامات قضایی حق خروج از کشور را ندارند و طبق بند ۲ ماده مزبور کسانی که مسافرت آن‌ها به خارج از کشور به تشخیص مقامات قضایی مخالف مصالح جمهوری اسلامی ایران باشد هیچ نوع گذرنامه داده نمی‌شود.

و مطابق ماده ۱۷ قانون گذرنامه دولت می‌تواند از صدور گذرنامه و خروج بدعکاران قطعی مالیاتی و اجرای دادگستری و ثبت اسناد و متخلفین از انجام تعهدات ارزی طبق ضوابط و مقرراتی که در آیین‌نامه تعیین می‌شود جلوگیری نماید و طبق ماده واحده مصوب ۵۹/۲/۲۰ شورای انقلاب بانک مرکزی می‌تواند از طریق دادرسی عمومی تهران خواستار ممنوعیت خروج از کشور بدعکاران بانکی شود.

ماده ۱۳۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ به دادگاه اجازه داده در مواردی قرار عدم خروج متهم از کشور را صادر نماید ماده مزبور مقرر می‌دارد: «با توجه به اهمیت و دلایل جرم، دادگاه می‌تواند علاوه بر موارد مذکور در ماده قبل قرار عدم خروج متهم را از کشور صادر نماید. مدت اعتبار این قرار شش ماه است و چنانچه دادگاه لازم بداند می‌تواند هر شش ماه یک بار آن را تمدید نماید. این قرار پس از ابلاغ ظرف مدت بیست روز قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان می‌باشد.

تبصره - در صورت فسخ قرار توسط مرجع تجدیدنظر و یا صدور قرار منع پیگرد یا موقوفی تعقیب یا برائت متهم، دادگاه بدوی مکلف است مراتب را بلافاصله به مراجع ذی‌ربط اطلاع دهد.»

از مقررات قانونی فوق‌الذکر و با توجه به رویه عملی قضایی، به روشنی پیدا است که در صورتی می‌توان فردی را از خروج از کشور منع و از داشتن گذرنامه محروم کرد که قرار یا حکم قضایی روشن از سوی قاضی صالح صادر شده باشد صدور قرار ممنوعیت از سوی قاضی هم باید بر اساس ضوابط و مبانی پیش‌بینی شده در مقررات قانونی فوق‌الذکر باشد و در عین حال که می‌تواند اجرا شود باید به فرد ممنوع‌الخروج ابلاغ گردد تا توان اعتراض را داشته باشد و به محض فسخ قرار یا منتفی شدن موجب صدور آن، باید لغو ممنوع‌الخروجی او به مراجع مربوط اعلام شود و طبقاً دستگادهای اجرایی از جمله مراجع اطلاعاتی و انتظامی نمی‌توانند بدون داشتن حکم صریح قضایی در رابطه با خروج افراد از کشور و دریافت گذرنامه مانع‌تراشی نمایند.

۲- حق آزادی رفت و آمد و از جمله خروج از کشور امروزه جزء حقوق اساسی افراد شناخته شده که باید از سوی دولت‌ها رعایت شود و نقض آن بدون وجود مبانی قانونی، نقض حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر به شمار می‌رود. علاوه بر بند ۲ ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر که می‌گوید: «هرکس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند و یا به کشور خود بازگردد»، بند ۲ ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که دولت ایران نیز عضو و متعهد به آن است همین عبارت و مضمون را مورد تصریح قرار داده و بند ۳ ماده مزبور فقط محدودیت‌هایی را که برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران لازم است و به موجب قانون مقرر شده مجاز دانسته است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز هرچند به این صراحت عبارتی ندارد ولی از اصل ۲۰ قانون اساسی که می‌گوید: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند» و بند ۷ اصل سوم که: «تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» را از وظایف عمده دولت اسلامی شمرده است. به خوبی برمی‌آید که حق آزادی رفت و آمد و ورود و خروج از کشور جزء حقوق و آزادی‌های افراد ملت است که جز به موجب قانون و در چارچوب ضوابط قانونی به تشخیص مراجع

صالح که حسب آنچه در بند ۱ بیان شد مقامات صالح قضایی هستند نمی‌توان افراد را از این حق محروم و ممنوع کرد.

اتفاقاً شورای نگهبان قانون اساسی نیز همین برداشت را از اصول یاد شده قانون اساسی نموده و اولین بار که قانونی برای گرفتن گذرنامه، پرداخت عوارض را مقرر نمود، علی‌الاصول این امر را که خود می‌تواند موجب محدودیت حق آزادی خروج افراد از کشور شود اولاً و با الذات مغایر قانون اساسی دانست و فقط به لحاظ وضعیت جنگی و گرفتاری‌های دولت به خاطر آن وضعیت، قانون فوق را تأیید کرد.

شورای نگهبان در نامه شماره ۴۰۴۱ مورخ ۱۳۶۴/۵/۱ خطاب به مجلس شورای اسلامی در رابطه با لایحه قانونی دریافت عوارض خروج از کشور (که مقرر شده بود از هر مسافری برای خارج از کشور، بار اول مبلغ پنجاه هزار ریال و بار دوم و بیشتر یکصد هزار ریال اخذ شود) اعلام داشت: «حق مسافرت و آزادی سفر از اعمال عادی و حقوق مسلم فردی و اجتماعی هر شخص است که طبق اصل ۲۰ قانون اساسی همگان از آن برخوردارند و بر حسب بند ۷ اصل سوم قانون اساسی بر حسب قانون باید تأمین شود. سلب این حق در شرایط عادی با موازین شرعی و قانون اساسی مغایرت دارد. ولی نظر به وضع فوق‌العاده فعلی و جنگ تحمیلی با اکثریت آراء تأیید شد...»

مقتضای این نظر شورای نگهبان این است که با رفع شرایط جنگی و وضع بحرانی دولت حتی مقررات وضع عوارض برای خروج از کشور که موجب محدودیت حق آزادی رفت و آمد افراد می‌شود خلاف قانون اساسی است و باید برداشته شود.

به هر صورت هرگونه محدودیت و ممانعت برای خروج از کشور و صدور گذرنامه اگر مستند به دستور روشن قضایی قاضی در محدوده قوانین فوق‌الاشعار نباشد مغایر قانون اساسی و معاهدات مربوطه بین‌المللی است.

۳- در اظهارات و توضیحات مراجعین به هیأت، قسمت عمده مانع تراشی‌ها و ایرادگیری‌ها و از جمله گرفتن گذرنامه و ناگزیر کردن صاحب آن به مراجعه به مراجع مختلف اطلاعاتی و انتظامی و گاه به این بهانه انجام بازجویی‌های گوناگون به نیروی انتظامی که شامل اطلاعات نیروی انتظامی می‌شود و وزارت اطلاعات که قسمت مربوطه

ان سابقاً به عنوان نخست‌وزیری و هم‌اکنون به عنوان ریاست جمهوری معروف است. مربوط می‌شود که هر دو در حوزه قوه مجریه قرار دارند و اگر این اظهارات درست باشد، نقض قانون اساسی و حقوق و آزادی‌های افراد در این حوزه صورت می‌گیرد و طبعاً شایسته است اگر صلاح بدانید مقرر فرمایید وزیر محترم کشور در ارتباط با نیروی انتظامی و وزیر محترم اطلاعات در ارتباط با وزارت اطلاعات بررسی و اقدامات لازم را انجام داده و از ایجاد محدودیت‌های غیرقانونی و غیر مستند به دستور صریح قضایی جلوگیری نمایند و گزارش آن را به جناب‌عالی ارائه دهند.

طبعاً احکام قضایی مربوط به ممنوع‌الخروج بودن افراد یا عدم صدور گذرنامه برای آنها از سوی دستگاه قضایی نیز باید مستند به مواد قانونی بوده و به فرد ممنوع‌الخروج ابلاغ شود تا عندالاقضاء بتواند طبق ذیل ماده ۱۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری اعتراض نماید.

حسین مهرپور

مشاور رئیس‌جمهور

رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۸۴-۲۱۰۴

تاریخ ۱۳۸۴/۳/۱۶

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای ایزدپناه
ریس محترم حوزه ریاست قوه قضاییه

با سلام

به پیوست تصویر گزارش شماره‌ی ۸۴-۱۵۴ مورخ ۸۴/۳/۴ هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی در خصوص ممنوعیت خروج از کشور یا عدم تحویل و عدم صدور گذرنامه برای افراد مورد اشاره و نقض حقوق اساسی آنان، متضمن پی‌نوشت ریاست محترم جمهوری مبنی بر:

«حضرت آیه‌الله هاشمی شاهرودی

با سلام

مواضع روشن و امیدبخش حضرت عالی در همه زمینه‌ها و حسن‌نیت و اهتمامی که به اجرای حق و عدل دارید در خور تقدیر فراوان است. برایتان از خداوند طلب طول عمر و توفیق می‌کنم. مطمئناً اگر آن‌چه را که طی ماه‌ها و بلکه سال‌های اخیر فرموده‌اید و بر آن اصرار داشته‌اید اجراء شود، نگرانی‌ها بسیار کم خواهد شد. عیناً نظر کارشناسی هیأت پیگیری و نظارت بر قانون اساسی را ارسال می‌دارم تا اولاً، اگر نظرتان موافق است دستور اقدام صادر فرمایید. ثانیاً، دستور فرمایید با متخلفان که اگر گزارش درست باشد، دقیقاً دستورات اخیر جناب عالی را نقض کرده‌اند، طبق روال قانونی برخورد لازم صورت گیرد. با معذرت از تصدیع.»

سیدعلی خاتمی

جهت استحضار ریاست محترم قوه قضاییه ارسال می‌گردد.

رونوشت:

- جناب آقای دکتر مهرپور

رییس محترم هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

تظلم آقای قاضیان

بسمه تعالی

شماره ۱۵۵۸۷

تاریخ ۱۳۸۴/۳/۱۶

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای شوشتری

وزیر محترم دادگستری

جناب آقای دکتر مهرپور

رئیس محترم هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

نامه جناب آقای حسین قاضیان و ضمایم آن در خصوص تقاضای رسیدگی به پرونده نامبرده (تصدیر پیوست)، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«جناب آقای دکتر مهرپور

با تأسف از آنچه بر فاضل محترم جناب آقای دکتر قاضیان رفته است و با توجه به این که از آغاز دستگیری ایشان و جناب آقای عبدی تلاش‌های فراوان داشته‌ام که خدای ناخواسته ستمی بر ایشان و بر هیچ فردی نرود و گاه در این مسیر موفق و گاه ناموفق بوده‌ام. اینک نامه ایشان و ضمایم همراه را نزد جناب عالی می‌فرستم تا در هیأت مطرح شود. جناب آقای شوشتری هم تشریف دارند و متأسفم که چگونگی نامه قبلی ایشان را ندیده‌ام یا دستوری که درباره آن داده‌ام عمل نشده است. به هر حال امیدوارم با انصاف و همه جانبه‌نگری مسأله رسیدگی شود. مطمئن هستم که ریاست محترم قوه قضاییه که الحق با

اقدام‌های اخیر خود روزنه روشنی را به دل و دیده هم گشوده‌اند تا به امید اجرای عدالت دلگرم‌تر باشید نیز به آنچه مقتضای انصاف و حق و عدل است دستور خواهند داد که طبعاً جناب آقای شوشتری پیگیری خواهند فرمود. با معذرت».

سیدعلی خاتمی